

تأملی در ترجمه فیلم با تکیه بر چگونگی انتقال فیلم از زبان آلمانی به فارسی

حسن پروان*

مربی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، ایران

ناهید باقر نصرآبادی**

کارشناس ارشد مترجمی زبان آلمانی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۱۶، تاریخ تصویب: ۸۸/۵/۱۳)

چکیده

محصولات فرهنگی بیگانه نظیر فیلم و سریال، بخش قابل توجهی از فرآورده‌های سمعی و بصری موجود را تشکیل می‌دهد. جاذبه این محصولات و بالطبع استقبال مخاطبان، اهمیت آن‌ها را در همکاری‌های فرهنگی آشکار می‌سازد. در این میان عدم تسلط عموم مخاطبان فرهنگ مقصد به زبان بیگانه از یک سو و لزوم نظارت بر مسائل اخلاقی، مذهبی و سیاسی که از طریق رسانه فیلم و تلویزیون انتقال یافته و کلیت فرهنگی جامعه را می‌سازند از سوی دیگر، وجود شناخه‌ای از علم ترجمه به نام ترجمه فیلم را ایجاب می‌کند. مقاله پیش‌رو ضمن پرداخت سطحی و مختصر به برخی مباحث نظری در این زمینه، کلیاتی را در زمینه عناصر فرهنگی فیلم شامل لهجه‌ها، گویش، اسامی و نام‌های مذهبی، اسامی اشخاص، وام‌واژه‌ها و ترجمه طنز بیان می‌کند.

واژه‌های کلیدی: وام‌واژه، ترجمه فیلم، سینک، دوبله، معانی ضمنی، تنوع زبانی، هم‌خوانی لب.

*تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۰۲، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: hparvan@ut.ac.ir

**تلفن: ۰۲۱-۶۶۰۰۱۲۸۷، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: nnasrabadi@gmx.de

مقدمه

امروزه سینما و تلویزیون جزء جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره انسان به شمار می‌روند. در این میان محصولات فرهنگی بیگانه نظیر انواع فیلم، سریال و گزارش‌های خبری، بخش قابل توجهی از فرآورده‌های سمعی و بصری موجودند. این محصولات به دلیل رسانه‌ای که از طریق آن منتقل می‌شوند از مخاطبان بیشتری برخوردارند و بدیهی است که به علت عدم آشنایی مخاطبان آن‌ها در فرهنگ مقصد باید ابتدا ترجمه شوند. علت دیگر ترجمه این است که شماری از عناصر فیلم‌های وارداتی را، بویژه آن دسته از مسائلی که مربوط به اخلاق، مذهب و سیاست شده و در مجموع ویژگی‌های فرهنگی قومی را تشکیل می‌دهند، نمی‌توان بدون پردازش لازم وارد فرهنگ جامعه مقصد کرد. بنابراین لازم است که به فن یا به عبارت بهتر، هنر ترجمه فیلم به عنوان شاخه ویژه‌ای از علم ترجمه نگریسته شده و به آن توجه علمی خاصی مبذول گردد.

شایان ذکر است که در مقاله پیش‌رو، به علت گستردگی و پیچیدگی مباحث فیلم به بسیاری از مسائل از جمله مباحث فنی نظیر انواع دوبله فیلم dubbing, subtitling, intertitling, over-voice, double-shooting، انواع هم‌خوانی‌ها و نظریات مرتبط با ترجمه فیلم اشاره نشده است و تنها کلیاتی در زمینه معضل ترجمه مسائل فرهنگی بیان شده است.

بحث و بررسی

ترجمه عناصر فرهنگی موجود در محصولات سمعی و بصری، بویژه فیلم، چالش عظیمی برای مترجمان به شمار می‌رود. مخاطبان فرهنگ مقصد برداشتی از اشیاء، مفاهیم و واژگان دارند که ناشی از رشد و تربیت آن‌ها در جامعه‌ای خاص و محیط جغرافیایی منحصربه‌فرد است و این برداشت، لزوماً با نگاه مردم جامعه مبدأ یکسان نیست. شاید بسیاری از نکات فرهنگی یک جامعه آلمانی‌زبان برای مردم انگلیس ناشناخته و غریب نباشد، اما همان موارد ممکن است برای مخاطب فارسی‌زبان، به علت بعد مسافت، زبان، دین و قومیت متفاوت به کل ناشناخته و نامأنوس باشد. هر چند امروزه با گسترش فناوری رایانه، اینترنت و ماهواره، انسان‌ها بیش از گذشته به یکدیگر نزدیک شده‌اند و اطلاعات و شناخت آن‌ها از شیوه جهان‌نگری دیگر اقوام و ملت‌ها بیشتر شده است، با این وجود نکات بسیاری از فرهنگ ملل بیگانه برای فرهنگ خودی ناشناخته مانده و شناساندن آن‌ها به هر شیوه ممکن از وظایف یک

مترجم است. به تعبیر اشتوتسسه (۲۰۰۱، ۲۴۴) ترجمه، مقایسه فرهنگ‌ها نیست، بلکه پر کردن شکافی است که در اثر قیاس فرهنگ‌ها و ثبت تفاوت‌های میان آن‌ها ایجاد شده است. وی تفاوت‌های میان فرهنگی را در سه مقوله می‌بیند: *ناهم‌خوانی در نام‌ها و اسامی اجسام و اشیاء حقیقی (real incongruence)* که ناشی از عناصر ناشناخته فرهنگی زبان مبدأ است، *ناهم‌خوانی صوری (formal incongruence)* که بواسطهٔ زیرساخت‌های متنی متفاوت ایجاد می‌شود و بالاخره *ناهم‌خوانی معنایی (semantic incongruence)* که ناشی از تصوراتی است که با واژگان خاصی عجین شده‌اند (همانجا). اسامی مؤسسات و سازمان‌ها، نام خیابان‌ها، اسامی جغرافیایی، حوادث تاریخی، مراسم، جشن‌ها و سنت‌ها از مصادیق *ناهم‌خوانی حقیقی* اند. زیرساخت‌های متنی متفاوت زبان‌های مبدأ و مقصد و نیز شرایط سازندهٔ انواع متون از مصادیق مورد دوم و سرانجام برداشت‌های متفاوت از واژگان در زمرهٔ مصادیق مورد سوم به شمار می‌روند. برای مثال، تصور تناول گوشت برخی از حیوانات نزد ملل مختلف یکسان نیست. برای یک شهروند فرانسوی *حلزون* خوراک لذیذی است، حال آن‌که در تصور شهروند آلمانی حلزون به علت لزاجت آن موجود قابل تناولی نیست.

راهبرد مترجم در ترجمهٔ مواردی از این دست، متفاوت است و او به ناچار شیوه‌های مختلفی برای ترجمه برمی‌گزیند. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از: استفاده از تعلیق یا توضیحات تکمیلی (*explicitation / explication*)، دیگرگونه‌نویسی (*paraphrase*)، ارجاعات (*reference*) و جرح و تعدیل (*modification*) نظیر بازگویی، انطباق و حذف. دورینگ (۲۰۰۶، ۳۷) در تقسیم بندی دیگری علاوه بر راهبردهای یادشده از موارد دیگری نظیر *اگزوتیزم (identity/exotism)*، *تقلید (imitation)*، و ترجمه مستقیم (*direct translation*) نام می‌برد.

مترجم فیلم، فضایی نظیر حواشی متن در اختیار ندارد. مقدمه و مؤخره‌ای نیز در پیش و پس فیلم وجود ندارد تا او با استفاده از آن برای تفهیم برخی از مسائل فرهنگی فیلم، دانسته‌ها و اطلاعات ضروری و لازم را به سمع و نظر بینندهٔ آن برساند. یکی از امکانات معدود دخل و تصرف، وجود صحنه‌هایی است که در زبان فیلم به صحنه‌های *Off* معروف است. در اینگونه صحنه‌ها چهرهٔ بازیگر هنگام سخن گفتن پنهان می‌ماند یا به عبارتی خارج از کادر دوربین قرار می‌گیرد. در این حالت، مترجم یا مدیر دوبلاژ از امکان دستکاری (*manipulation*) متن فیلم، بی‌آن‌که خدشه‌ای به روند فیلم وارد آید، برخوردار می‌شوند. در صحنه‌های *On* چنین مسئله‌ای امکان‌پذیر نیست و به علت محدودیتی که در نتیجهٔ الزام به رعایت هم‌زمانی کمی

حرکات لب (quantitative lip-synch) ایجاد می‌شود، امکان دخل و تصرف در متن فیلم کاهش می‌یابد.

مترجم علاوه بر دقت در ترجمه متن، لازم است که عناصر سمعی و بصری موجود در فیلم را مدنظر قرار داده و حالات چهره بازیگر (facial expressions) و ایماء و اشاره (gestures) او را حتی‌الامکان در صحنه‌هایی که این حرکات در فرهنگ‌های مختلف تعابیر مختلفی دارند، به دقت مرور و در ترجمه لحاظ کند. اینگونه حرکات ممکن است به تنهایی ادا شده و از مفهوم خاصی برخوردار باشند و یا هم‌زمان با بیان مؤکد لفظ و کلامی ادا شوند. از طرفی، لهجه (accent)، گویش (dialect) و آهنگ کلام (intonation) نیز جزء ادراکات سمعی بیننده محسوب می‌شوند و شناخت کارایی آن امری است که در لحظه مشاهده و شنیدن متن میسر و محقق می‌شود. هر چند ممکن است که آهنگ کلام رابطه چندانی با مسائل فرهنگی نداشته باشد، ولی لهجه و گویش ویژگی فرهنگی محسوب شده و لازم است که مترجم چاره‌ای برای انتقال آنها به فرهنگ مقصد بیاندیشد.

لهجه و گویش

لهجه و گویش جزء تنوع زبانی (language variety) به شمار می‌روند که به تعبیر ماتائز (۱۹۸۰، ۱۴) اشکال مختلف زبانی یک جامعه زبانی بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهند. بخشی از مشکلات عمده ترجمه فیلم به شیوه انتقال لهجه و گویش بازمی‌گردد. لهجه یا اکسنت، در متن حاضر به شیوه گفتار فردی اطلاق می‌شود که برای مثال ملیت فرانسوی یا ایتالیایی داشته، اما به زبان آلمانی یا انگلیسی تکلم می‌کند، بدیهی است که بیننده در اکثر اوقات به محض شنیدن گفتار وی به ملیت او پی می‌برد. در صدا و لحن گفتار بازیگر غالباً اطلاعاتی نهفته است که بخشی از آن را اکسنت و گویش تشکیل می‌دهند. این اطلاعات به علت نقش مهم آن‌ها در درک فیلم از اهمیت خاصی برخوردارند. بعضی از گویش‌ها فضای احساسی فیلم را غلیظ‌تر کرده و برخی دیگر نظیر گویش مردم بادن در ایالت بادن - وورتمبرگ آلمان حس اعتماد، پیوند و صمیمیت را در بیننده برمی‌انگیزند (هربست^۱ ۱۱۱). برخی گویش‌های فارسی نظیر

۱- توماس هرست (Thomas Herbst) از جمله کسانی است که در اثر بی‌نظیر خود جنبه‌های زبان‌شناختی دوبله و سینک سریال‌های تلویزیونی نگاه ویژه‌ای به ترجمه فیلم داشته و در آن نکات بسیاری را در زمینه مسائل فنی ترجمه فیلم نظیر سینک برشمرده و مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

یزدی نیز همین احساسات را در مخاطب خود زنده می‌کنند. اصولاً معنای ضمنی (connotations) مثبت و منفی هر یک از لهجه‌ها و گویش‌ها به جاذبه فیلم می‌افزایند و مترجمان فیلم نیز به همین دلیل شیوه‌هایی برای انتقال آن‌ها بکار می‌برند. سبک، لهجه و دیالکت، چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، تنوع زبانی را تشکیل می‌دهند و زیرمجموعه جامعه‌شناسی زبان محسوب می‌شوند. در مجموع می‌توان عناصر تنوع زبانی را به گونه فردی (idiolect)، گونه اجتماعی (sociolect)، گونه منطقه‌ای/جغرافیایی (regiolect) و گویش (dialect) دسته‌بندی کرد.

منظور از گونه فردی شیوه منحصر به فرد سخن گفتن هر یک از افراد یک جامعه زبانی است، که در واژگان، شیوه بیان و تلفظ او نمود می‌یابد. برای مثال شیوه سخن گفتن دوبلورهای جری لویس به فارسی در فیلم‌های کم‌دی این بازیگر معروف و یا پیتر فالک در سریال تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی ستوان کولامبو (Columbo) از مصادیق گونه فردی به شمار می‌روند. منظور از گونه اجتماعی زبانی است که به عبارتی در گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی جامعه رواج دارد (گلوک ۶۴۵). زبان قشر کارگر جامعه، نسل جوان و نوجوان، ورزشکاران، علما، دانشمندان و سیاستمداران از مصادیق این گونه محسوب می‌شود. گونه منطقه‌ای به شیوه سخن گفتن فردی اطلاق می‌شود که به منطقه جغرافیایی خاصی تعلق داشته و به زبانی نزدیک به زبان رسمی کشور تکلم می‌کند. گفتار این افراد هر چند رنگ و بوی محلی دارد، برای اکثریت افراد یک جامعه زبانی قابل فهم است. برای مثال اگر یکی از اهالی خراسان، خوزستان، گیلان، آذربایجان یا سیستان به زبان فارسی رسمی تکلم کند، زبان او هر چند حکایت از تعلق وی به منطقه جغرافیایی خاصی دارد، برای کسانی که به زبان فارسی تسلط دارند، قابل فهم است.^۱ و بالاخره منظور از گویش یا دیالکت مجموعه گویش‌های محلی یک زبان رسمی برای مثال گویش‌های زابلی، گیلگی، مازنی و اصفهانی است.

لهجه و دیالکت، معرف ریشه‌های اجتماعی و منطقه‌ای فرد و نیز وابستگی قومی اویند که هم‌زمان تصویری کلیشه‌ای را نزد مخاطب برمی‌انگیزند. انسان با شنیدن لهجه‌ها و تلفظ‌های خاص، خودآگاه یا ناآگاهانه ارزش‌های مثبت یا منفی خاصی را به ذهن خود متبادر می‌سازد.

۱- لازم به یادآوری است که regiolect در معنی مورد نظر تفاوت چندانی با لهجه ندارد، اما در این رابطه استنباط دیگری نیز هست: در گونه منطقه‌ای مردم به نوعی زبان محاوره سخن می‌گویند که مختص منطقه‌ای خاص و مبنای آن گویش رایج در همان منطقه است، اما در عین حال در گستره واژگان، دستور و تلفظ صیقل یافته و بیشتر برای کسانی که به زبان رسمی کشوری سخن می‌گویند، قابل فهم است.

بدیهی است که از جمله وظایف یک مترجم زبردست، شناخت معنای ضمنی و انتقال آن‌ها به گونه‌ای است که مخاطب فرهنگ مقصد نسبت به تصورات ذهنی مردم فرهنگ مبدأ، از هم‌وطنان خود آگاه شود.

انتقال لهجه به زبان مقصد، حداقل در زبان‌هایی نظیر فرانسوی و ایتالیایی کار دشواری نیست. دوبلورها برای انجام آن، به زبان مقصد سخن گفته، ولی هم‌زمان با استفاده از برخی عناصر زبانی بیگانه و کاریست واژگان و عبارات خاص، متن کلام بازیگر را دوبله می‌کنند. البته این شیوه برای انتقال ویژگی‌های زبانی ملیت‌های دیگر صادق نیست. برای مثال ممکن است، یک آلمانی، زبان انگلیسی آمریکایی و انگلیسی رایج در کشور استرالیا، کانادا و انگلستان را از یکدیگر تشخیص داده و نسبت به ویژگی‌های آن‌ها آگاهی کامل داشته باشد، اما یک بیننده ایرانی بطورقطع چنین اشرافی به موضوع نداشته و به سختی این گونه‌های زبانی را از یکدیگر تشخیص می‌دهد. انتقال گونه اجتماعی نیز در اکثر اوقات امکان‌پذیر است. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، گروه‌های مختلف اجتماعی نظیر جوانان، کارگران و غیره از واژگان منحصربه‌فردی استفاده می‌کنند که به عبارتی معرف و شناسه آن‌هاست. مترجم کافی است که در صورت لزوم، همان قشر اجتماعی خاص را در فرهنگ مقصد مد نظر قرار داده و معادل خود را از میان واژگان مرسوم آن دسته یا گروه برگزیند. به عنوان مثال می‌توان بجای واژه عاریتی *cool* که امروزه در زبان نسل جوان آلمان به صورت گسترده و فراگیر مورد استفاده و استعمال قرار می‌گیرد، از معادل فارسی *باحال*، که این واژه نیز در زبان نسل جوان و نوجوان کشور ما کاربرد بسیاری دارد، استفاده کرد.

انتقال دیالکت به علت تعلق آن به یک محدوده جغرافیایی خاص که معادلی در فرهنگ مقصد ندارد، قدری مشکل است. استفاده از گویش‌های زبان مقصد در ترجمه فیلم به این علت که کلیت گویش از یک سو و واژگان آن از سوی دیگر با معنای ضمنی خاصی پیوند خورده‌اند، شیوه رایجی نیست. برای مثال، اگر در یک فیلم آلمانی بازیگری با گویش بایری سخن بگوید و در دوبله فارسی از گویش اصفهانی برای گفتار همان شخصیت استفاده شود، این ترفند نه فقط به برداشت صحیح از فرهنگ مبدأ کمکی نمی‌کند، بلکه موجب مضحکه کلیت فیلم می‌شود. در ترجمه فارسی فیلم *استریکس* از زبان لری برای شخصیت‌ها استفاده شده است. در این فیلم که با بازیگری ژرار دپاردیو و بر اساس یک مجموعه مصور طنزآمیز تهیه شده است، گال‌ها مظهر انسان‌های شجاع و بی‌باک و در عین حال ساده اندیشی‌اند که در دهکده‌های کوچک زندگی کرده و روزگار را به منازعه و مناقشه با یکدیگر سپری می‌کنند. اما

همین مردم بنا به روند ماجراهای این مجموعه، تنها قوم مستقل و آزادی‌اند که در برابر رومیان تحت رهبری ژولیوس سزار، قد برافراشته و جانانه مقاومت می‌کنند. استفاده از لهجه لری برای کاراکترهای فیلم به علت شجاعت ذاتی مردم این خطه و در عین حال شهره بودن آنان به سادگی و بی غل و غشی موجب انتقال اهداف اصلی فیلم شده است.

اغب اوقات، دیالکت‌ها در زبان مقصد به زبان رسمی ترجمه می‌شوند، که این امر موجب خنثی شدن تأثیر گویش نزد بیننده فرهنگ مقصد می‌شود. این امر بویژه زمانی رخ می‌دهد که استفاده یا عدم استفاده از گویش یا زبان تأثیر چندانی در فهم و ادراک فیلم نداشته باشند. در ترجمه آلمانی فیلم *خانه دوست کجاست؟* به کارگردانی عباس کیارستمی همه سکانس‌هایی که در آن‌ها از زبان ترکی استفاده شده است به زبان (آلمانی) معیار (Standard-/Hochsprache) برگردان شده‌اند.

کاربست گویش‌های فرهنگ مقصد گاهی در جهت ایجاد فضاهای خاص، برای مثال ایجاد بستر مناسب طنز صورت می‌گیرد. در ترجمه فارسی انیمیشن *فوق العاده‌ها* (The Incredibles) از بعضی از گویش‌ها و زبان‌های کشور در برای ایجاد همین فضا استفاده شده است. در نهایت با توجه به این واقعیت که انتقال گویش‌ها به زبان مقصد، کار دشواری است، مترجم از طریق استفاده از *معادل‌های غیرمستقیم* (indirect equivalent) به ترجمه گویش‌ها می‌پردازد. این شیوه‌های معادل‌گزینی عبارتند از: *به زبان آوردن یا بیان کلامی* (verbalize)، *کیفیت بیان یا سطح سبک* (level of style)، *کیفیت صدا* (vocal quality) و *طرز بیان* (way of speaking).

مترجم می‌تواند در گفتگوی اشخاص با یکدیگر با افزودن کلمه، عبارت یا جمله‌ای به ترجمه، تعلق یکی از دو مخاطب به یک منطقه جغرافیایی یا قومیت خاص را بیان کند. برای مثال عبارت *شما به عنوان یک اتریشی ...* که در حقیقت در متن اصلی موجود نیست، می‌تواند بیانگر این باشد که فرد مخاطب به لهجه اتریشی سخن می‌گوید. استفاده از سطوح واژگانی مختلف در زبان مقصد نیز به مثابه ابزاری است که برای جایگزین‌سازی گونه‌های اجتماعی موجود در فیلم اصلی بکار گرفته می‌شود. کیفیت صدا نیز به نوبه خود بیانگر ویژگی شخصیتی بازیگر و در بحث سینک (synch) از اهمیت خاصی برخوردار است. اگر برای مثال گونه‌ای خاص معنای ضمنی خاصی را به ذهن مخاطب متبادر می‌سازد، می‌توان با استفاده بجا از صدای مناسب برای شخصیت‌های فیلم در زبان مقصد خلاء فقدان گویش معادل را تا اندازه‌ای جبران کرد.

اسامی اشخاص، سازمان‌ها و مؤسسات

انسان برای ایجاد ارتباط با جهان اطراف خود به زبان نیاز دارد و با مدد گرفتن از زبان، الفاظ و مفاهیمی را برای شناسایی ذهنیات، پدیده‌ها و اشیاء اطراف خود در نظر می‌گیرد. اصولاً جهان‌بینی انسان از طریق همین الفاظی که او برای نامیدن پدیده‌های اطراف خود تعیین کرده است، تبیین می‌یابد. انسان برای کلیه مسائل روزمره، از جشن‌ها، آداب و سنت‌ها گرفته تا مراسم مذهبی و غیره که کلیت فرهنگی قومی را می‌سازند، نامی را در نظر می‌گیرد. ترجمه این نام‌ها اعم از اسامی خاص و عام، ذات و معنی، زمانی مشکل‌آفرین می‌شود که معادلی برای آن‌ها در زبان مقصد یافت نشود، یا معادل مورد نظر همه جنبه‌های معنایی واژه زبان اصلی را در برنگیرد. در این‌گونه موارد ممکن است با استفاده از واژگان عاریتی از زبان بیگانه، مشکل ترجمه را برطرف کرد. اما در ترجمه فیلم گاهی نه فقط به علت ترجمه‌ناپذیری واژگان، بلکه به علت حفظ اصالت و اعتبار (authenticity) وقایع از ترجمه واژه بیگانه صرف نظر می‌شود. برای بعضی از سازندگان فیلم ارزش و منزلت این دو به اندازه‌ای است که از زبان فیلم در برای خلق همین اصالت استفاده می‌کنند. کارگردان و بازیگر استرالیایی - آمریکایی مل گیسیس در شمار کسانی است که ارزش زیادی برای زبان در جهت خلق اصالت قائل است. او برای اعتبار بخشیدن به فیلم *Passion Christi* از زبان‌های رایج در اوایل مسیحیت یعنی، عبری، لاتین و آرامی در بیان بازیگران فیلم استفاده می‌کند. تا آنجا که حتی بیننده انگلیسی زبان نیز مجبور است فیلم را با زیرنویس انگلیسی ببیند.

برای اسامی برخی اشخاص نظیر *Abraham, Michael, Maria, Josef* نام‌های مشابهی در زبان‌های دیگر وجود دارد. این اسامی با توجه به ویژگی‌های آوایی هر زبان خاص با تلفظ‌های مختلف ظاهر می‌شوند. لازم است که این‌گونه اسامی در دوبله فیلم‌های خارجی به فارسی با تلفظ مرسوم در زبان مبدأ بیان شوند. برای مثال چنانچه برخی از اسامی فوق، شخصیت‌های یک فیلم آلمانی زبان را تشکیل می‌دهند، معادل‌های ابراهام، ماریا، میسائیل و یوزف برگزیده شوند. بیان اسامی با تلفظ آلمانی باعث می‌شود که بیننده و مخاطب ایرانی، حتی با فرض عدم آگاهی اولیه از کشور سازنده فیلم، به آلمانی بودن زبان اصلی فیلم پی برده و به این ترتیب در تصور و اندیشه خود و با اندکی شناخت از ویژگی‌های شخصیت آلمانی، آماده نقد، پذیرش یا عدم پذیرش رفتارها و هنجارهای کاراکترها باشد.

در انتخاب معادل برای نام‌های احزاب و تشکیلات سیاسی باید به این مسئله توجه داشت که اطلاعات و دانسته‌های مخاطب فرهنگ مقصد در زمینه این مسائل در چه حد و

اندازه‌ای است. بیشتر مردم با واژگان، عبارات و اختصاراتی نظیر بوندس لیگا، یونیسف، یونسکو و غیره به علت مصطلح بودن آن‌ها آشنا نیستند، اما معنای بعضی دیگر نظیر Bundesverfassungsschutz، Bundestag و Die Grünen بر آن‌ها پوشیده است و لازم است که ترجمه فارسی آن‌ها نوشته شود.

نام‌ها و عناوین مذهبی

جهان‌بینی انسان جدا از دیدگاه‌های اعتقادی او نیست و این اعتقادات نیز در زبان او جاری شده و تجلی می‌یابند. در جوامعی که تفکر مذهبی عمیق‌تر است و دامنه دینداری در زندگی روزمره مردم آن گسترده است، زبان آدمیان نیز بیش از پیش در خدمت دین و مذهب قرار می‌گیرد. اگر ماجرای فیلمی بر پایه مسائل مذهبی بنا شده است، لازم است که در زبان مقصد از معادل‌هایی استفاده شود که معنا و مفهوم واژه اصلی را به صورت تمام و کمال ادا کنند. کلماتی نظیر شهادت، عاشورا یا جهاد که در فیلم‌های دفاع مقدس به وفور یافت می‌شوند، به عبارتی ترجمه ناپذیرند. امروزه نیز با توجه به شناخت ناچیز و نصف و نیمه‌ای که مخاطبان ملیت‌های دیگر از این واژگان دارند، از ترجمه آن‌ها در فیلم مقصد ترجیحاً صرف نظر می‌شود. فیلم *نام گل سرخ* که بر اساس داستانی از *امبرتو اکو*، نویسنده معروف ایتالیایی و با بازیگری *شون کانری* تهیه شده است و ماجرای آن در دیری اتفاق می‌افتد و شخصیت‌های آن را راهبان دیر تشکیل می‌دهند، از مصادیق فیلم‌هایی است که بن‌مایه دینی داشته و در آن واژگان و اصطلاحات مذهبی بسیاری یافت می‌شوند.

در مجموع اگر مردم فرهنگ مقصد و مبدأ، دین یا مذهب مشترکی داشته باشند، ترجمه مفاهیم مربوطه کار دشواری نخواهد بود. البته غالباً اینگونه است که بیننده معمولی فیلم علاقه چندانی به دقت در مسائل جانبی فیلم ندارد. بنابراین اگر طرح مسائل دینی و مذهبی تنها در حاشیه رخ داده و تأثیری در سیر ماجرای فیلم نداشته باشند، مخاطب نیز به طور معمول دقت چندانی نمی‌کند و تنها دانستن این مسئله که در کلیت متن گوشه‌ای از مسائل دینی آمده است، برای او کفایت می‌کند. به تعبیر هرست (۱۹۹۴، ۲۴۲) مشکل ترجمه مسائل فرهنگی تنها از تفاوت در دانسته‌ها و آموخته‌های تماشاگر ناشی نمی‌شود، بلکه اختلاف سلیقه نیز باعث دشواری ترجمه است. در هر صورت در ترجمه مفاهیم مذهبی اگر این‌گونه واژگان تأثیر چندانی در فهم فیلم نداشته باشند، می‌توان ترجیحاً از معادل‌های خنثی استفاده کرد.

عنوان و خطاب

کلماتی نظیر Miss, Madam, Senior به فیلم رنگ و لعاب مکانی بخشیده و شناخت ملیت شخصیت‌های فیلم را امکان پذیر می‌سازد. در نسخ آلمانی فیلم‌های خارجی عموماً اشکال اولیه عناوین و خطاب‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. این مسئله حداقل در باره زبان‌های ایتالیایی، اسپانیایی و فرانسوی و نیز در نسخه‌های آلمانی فیلم‌های آمریکایی و انگلیسی از جمله وسترن‌هایی که در آن‌ها دیالوگ‌های صیقل‌یافته و شسته رفته رد و بدل می‌شوند، صادق است. عنوان و خطاب در نسخه آلمانی فیلم *Miss Daisy und ihr Chauffeur* نه فقط در روال آن بلکه چنانکه ملاحظه می‌شود در عنوان فیلم نیز لحاظ شده است. در انتقال فیلم از زبان‌هایی که آلمانی‌زبان‌ها شناخت کمتری نسبت به آن‌ها دارند، به این زبان، عناوین و خطاب‌ها غالباً ترجمه می‌شوند. مثال:

آقاخان: اکبر آقا می‌خوای واسه شما هم در درست کنم؟

Agha Khan: Herr Akbar, soll ich Ihnen auch neue Türen einsetzen?

در ترجمه فیلم به زبان فارسی نیز همین مسئله تا اندازه‌ای صادق است. هر چند در بسیاری از موارد از ترجمه عنوان و خطاب صرف نظر شده و به معادل‌های فارسی آقا، خانم و دوشیزه اکتفا می‌شود. عناوین و خطاب‌های فیلم‌هایی که از زبان آلمانی به فارسی دوبله می‌شوند، به علت عدم آشنایی بیننده فارسی‌زبان به فرهنگ این کشور، غالباً ترجمه می‌شوند. مثال زیر از فیلم *آخرین روزهای زوفی شل*^۱ (محصول سال ۲۰۰۵ آلمان به کارگردانی مارک روته موند) نمونه‌ای از ترجمه عنوان و خطاب است:

Der Verhörer: Fräulein Scholl, Sie müssen jetzt zu ihrem Ankläger.

بازجو: خانم شل لطفاً همراه من بیان!

مترجم در روند فیلم، خطاب‌ها را به صورت واحد و یکپارچه ترجمه نکرده است:

Der Verhörer: Überlegen Sie doch mal, Fräulein Scholl, mit uns zusammenzuarbeiten.

بازجو: دوشیزه شل به نفع‌تونه که با ما همکاری کنید!

1- Sophie Scholl - die letzten Tage (Deutschland 2005 / Regie: Marc Rothemund)

واژه فارسی دوشیزه که در مثال فوق به عنوان معادل برای Fräulein آلمانی انتخاب شده است، هرچند از نظر معنایی مشکلی ندارد و در حقیقت معادل یک به یک واژه اصلی به شمار می‌رود، از لحاظ کاربردی انتخاب مناسبی نیست. زیرا استفاده از آن در زبان عامیانه و حتی نوشتار چندان رایج و مرسوم نیست. یکی از موارد نادر استفاده از واژه دوشیزه در زبان فارسی، هنگام قرائت خطبه عقد است. شاید به همین علت است که ایرانیان مسلط به زبان آلمانی، هنگام مکالمه به این زبان به ندرت از کلمه آلمانی Fräulein استفاده می‌کنند.

عناوین اشرافی نظیر Conte, Baron, Lord و غیره نیز از ویژگی فرهنگی برخوردارند و در زبان‌های دیگر معادلی ندارند. برای مثال Duke یک عنوان اشرافی انگلیسی است. معادل تقریبی این واژه در زبان آلمانی Herzog است. مترجم آلمانی‌زبان هنگام ترجمه فیلم، واژه اصلی را بکار برده و از ذکر معادل پرهیز می‌کند، اما در ایران در این زمینه راهبرد واحدی برای ترجمه وجود ندارد. اگر عنوان مورد نظر در زبان اصلی، برای مخاطب ایرانی آشنا و مأنوس باشد، از همان واژه استفاده می‌شود، در غیر این صورت غالباً معادل‌های فرانسوی که از شهرت و معروفیت بیشتری برخوردارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال در نسخه فارسی فیلم آلمانی پرنسس و سلحشور (محصول سال ۲۰۰۰ آلمان به کارگردانی تام تیکور)^۱ چنانکه ملاحظه می‌شود، عنوان انگلیسی پرنسس با تلفظ فرانسوی آن بکاررفته است. تفاوت‌های موجود در بعضی از زبان‌ها در رابطه با کاربرد ضمائر شخصی تو و شما نیز گاهی برای مترجمان مشکل‌آفرین می‌شود. با توجه به مشترکات زبان‌های فارسی و آلمانی در این مقوله گرامری، تفاوتی چندانی میان این دو زبان وجود ندارد. فقط در بعضی از موارد خاص، فرد آلمانی‌زبان، کسی را که از جایگاه والایی برخوردار است با ضمیر شخصی Ihr مورد خطاب قرار می‌دهد که البته این شیوه بیان رواج زیادی نداشته و با در نظر گرفتن قرینه متن، معادل فارسی شما در اکثر اوقات برای آن کفایت می‌کند.

وام‌واژه‌ها

ترجمه، یکی از عوامل اصلی در ورود واژگان زبان بیگانه به هر زبانی از جمله فارسی است. واژگان زبان عربی به علل مختلف از جمله قدمت طولانی ورود و ادغام آن‌ها در زبان فارسی منظور نظر ما نیست. از طرفی این واژگان از لحاظ کاربردی شاید تشابه چندانی با

1- Der Krieger und die Kaiserin (2000 / Regie: Tom Tykwer)

کاربرد همین کلمات در زبان عربی ندارند. کلمات عاریتی از زبان عربی، بخشی از واژگان زبان فارسی را تشکیل داده و جدایی آن‌ها از زبان فارسی نه لازم و نه امکان‌پذیر است، گرچه امروزه نیز شماری از نویسندگان و مترجمان سعی در استفاده از معادل‌های کاملاً فارسی در نوشتار خود می‌نمایند. امروزه اغلب وام‌واژه‌ها از زبان‌های اروپایی بویژه فرانسوی و انگلیسی وارد زبان فارسی می‌شوند و بسیاری از آن‌ها نیز با این زبان درآمیخته‌اند، امروزه دیگر کسی با شنیدن واژگانی نظیر Maman، Mercy، Apartment، Sandwich و نظایر آن‌ها به بیگانه بودن آن‌ها توجهی نمی‌کند.

در کنار مقالات خارجی نشریات، فیلم از جمله رسانه‌هایی است که به علت تنگنای وقت و هزینه به سرعت و با صرف کمترین زمان ممکن ترجمه می‌شوند. در اینجا بحث ما در باره ورود واژگان بیگانه از طریق زبان آلمانی به فارسی است. به اعتقاد هربست (۱۹۹۴، ۱۲۹) متون ترجمه شده فیلم (از انگلیسی به آلمانی) در مقایسه با دیگر متون از ویژگی‌های منحصربفردی برخوردارند. یکی از این ویژگی‌ها، وجود واژگان بیشتر انگلیسی (Anglicism) در فیلم‌های دوبله شده به آلمانی است. علت آن نیز شمار بی حد و حصر فیلم‌های آمریکایی در بازارهای آلمان است. مترجم آلمانی علیرغم وجود معادل آلمانی برای واژگانی نظیر Drink Job، Image و Story از معادل‌گزینی به این علت که این کلمات از یک سو برای مخاطب آلمانی چندان غریبه نیستند و از سوی دیگر مکانی را که در آن ماجرای فیلم اتفاق افتاده است به ترسیم می‌کشند، در ترجمه خود صرف نظر می‌کند. البته انصراف از معادل‌گزینی بعضاً نیز به علل مربوط به هم‌خوانی لب (lip-sync) انجام می‌پذیرد. در هر صورت یکی از طرق اصلی ورود واژگان انگلیسی به هر زبانی بویژه آلمانی، رسانه فیلم است.

مترجم فارسی زبان فیلم باید، به علت تفاوت در ساختارهای زبانی هنگام ترجمه این‌گونه واژگان که خود از زبان دیگری وارد زبان مبدأ شده‌اند، باید معادل‌های آشنا برگزیند. در مثال زیر از فیلم پرنسس و سلحشور برای کلمه غیر آلمانی Job که برای مخاطب آلمانی (و بسیاری از فارسی‌زبان‌ها) واژه بیگانه‌ای نیست، از معادل کار استفاده شده است:

Der Job war gut. Hätte ich gern gemacht.

- کار خوبی بود. ازش خوشم می‌ومد.

ابعاد فرهنگی اینگونه واژگان که غالباً تحت عنوان کلی Anglicism نامیده می‌شوند، زمانی نمودار می‌شود که استعمال و کاربرد مکرر آنها را در لایه‌های مختلف گونه‌های

اجتماعی نظیر زبان نسل جوان ببینیم. کلمات انگلیسی *super*، *cool*، *topsecret*، *hi* و غیره بخشی جدایی‌ناپذیر از زبان رایج این نسل آلمان را تشکیل می‌دهند و شایسته است که هنگام ترجمه آن‌ها به فارسی از معادل‌های رایج در گونه اجتماعی همین نسل نظیر باحال برای *cool* و ایول برای *super* استفاده شود.

ترجمه طنز

ترجمه طنز از جمله مسائل مهم در ترجمه فیلم به شمار رفته و بررسی مفصل آن به علت گستردگی موضوع در این مقال نمی‌گنجد. در اینجا نیز فقط به ذکر مطلبی کوتاه در این زمینه بسنده می‌شود. کمیک نه تنها موضوع اصلی فیلم‌ها در ژانر کمدی است، بلکه در بسیاری از فیلم‌ها نیز به صورت اتفاقات جانبی و غیر اصلی تجلی می‌یابد. لحظات خنده‌آور و طنزآمیز از ملاحظه و مشاهده رفتار، حرکات چهره و دست و پای بازیگر کمدی پدید می‌آید. زبان نیز از عناصر مهم خلق طنز محسوب می‌شود.

نکته مهم هنگام انتقال طنز این است که هر احساسی که لطیفه و بیانی طنزآور در مخاطب زبان اصلی برمی‌انگیزد، نزد مخاطب زبان مقصد نیز برانگیزیم. شرط اولیه این کاربست دانسته‌های مشترک مخاطبان دو فرهنگ یا به عبارتی گیرنده و فرستنده در هر دو زبان است. بدیهی است که مخاطب فیلم لازم است که با هنجارها و نرم‌های زبانی و اجتماعی و در یک کلام فرهنگی جامعه آشنا باشد تا بتواند معنی اشارات تلویحی به نام‌ها، حوادث و تشکیلات مختلف را دریابد.

طنز فیلم عموماً در قالب بازی با کلمات و در دیالوگ‌ها نمود می‌یابد. از جمله ابزار امکان‌پذیرسازی این امر استفاده از کثرت معنایی واژگان چندمعنایی (*polysemy*) و هم‌آوا (*homophony*) و نیز تلفظ مشابه نزد کلمات هم‌آوایی است که قرابت معنایی خاصی با یکدیگر ندارند. احساس طنز نزد مخاطب زمانی ایجاد می‌شود، که او بتواند این تنوع معنایی را که اساس بازی با کلمات را می‌سازد، دریابد. مترجم نیز در اینگونه مواقع می‌تواند در صورت امکان با کاربست بازی‌های مشابه با کلمات در زبان فرهنگ مقصد، معادل‌گزینی نماید. در غیر این صورت نکات طنز را باید جزء آنگونه عناصر فرهنگی قلمداد کرد که به سختی قابل ترجمه و انتقال‌اند.

نتیجه

ترجمه عناصر فرهنگی موجود در فیلم، اصلی‌ترین معضل این مقوله به شمار می‌رود. تصویر به عنوان جزء مهمی از بنای فیلم نقش زیادی در تشریح عناصر فرهنگی موجود در آن ایفا می‌کند. برای انتقال عناصر فرهنگی دیگر نظیر لهجه و گویش و زیر و بمی صدا که اجزاء شنیداری فیلم را تشکیل می‌دهند، از ابزار و شیوه‌هایی مانند به زبان آوردن یا بیان شفاهی، کیفیت بیان یا سطح سبک، کیفیت صدا و طرز بیان استفاده می‌شود. غالباً بخش‌هایی از متون فیلم یا ترجمه نمی‌شوند یا هنگام انتقال دستخوش تغییرات فراوان می‌شوند. علت این امر نیز بیش از آن‌که ترجمه‌ناپذیری متن باشد، عدم تطابق آن با هنجارها موجود در فرهنگ مقصد است. در این حالت مترجم (یا مرجع ذریبط) ناچار است برای ممانعت از انتقادات احتمالی و در راستای اثبات توانایی خود در سنجش موقعیت، اقدام به حذف قسمتی و تغییر در قسمت‌های دیگر نماید. این‌گونه تغییرات ایراد ترجمه و مترجم محسوب نمی‌شوند بلکه بر اساس نیت و هدف خاصی اعمال می‌شوند، و آن به عبارتی عمل کردن فیلم به گونه‌ای است که در جامعه مقصد مورد پذیرش واقع شود.

Bibliography

- Dörning, Sigrun (1384/2006). *Kulturspezifika im Film: Probleme ihrer Translation*. (Cultural Specifications in the Film: Problems of their Translation). Berlin.
- Glück, Helmut (Hrsg.). (1376/2000). *Metzler-Lexikon Sprache*. (Metzler Lexicon of Language). 2. Überarbeitete und Erweiterte Auflage, Stuttgart: Metzler
- Herbst, Thomas (1372/1994). *Linguistische Aspekte der Synchronisation von Fernsehserien*. (Linguistic Aspects of the Synchronization of TV Serials). Tübingen: Max Niemeyer Verlag.
- Matheier, Klaus J. (1358/ 1980). *Pragmatik und Soziologie der Dialekte*. (Pragmatism and Sociology of the Dialects). Heidelberg.
- Stolze, Radegundis (1372/1994). *Übersetzungstheorien. Eine Einführung*. (Translation Theories: An Introduction). Tübingen: Gunter Narr Verlag.